

برنامه سفر خزندگان موسسه ارسباران

استاد راهنما: جناب آقای دکتر کامران کمالی

لیدر: جناب آقای امین سیفی

تاریخ اجرا برنامه : ۸ و ۹ اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱

مبدأ: تهران - مقصد : کویر ابوزید آباد در استان اصفهان

نویسندگان گزارش: خانم نسیمه فرهادیان و آقای جواد علیمردانی

طبق قرار قبلی در ساعت ۱۰:۳۰ در تقاطع کوچه ملایی و خیابان ولیعصر دور هم جمع شدیم و با همسفران آشنا شدیم و استاد با روی خوش و لبی خندان با دوستان خوش و بش کردند و میدل باس قرمز خوش رنگمون به کاپیتانی آقای محمد از راه رسید و برنامه شروع شد و به سمت کویر ابوزیدآباد راه افتادیم، برگزاری برنامه شیرین معارفه طی مسیر را برای ما کوتاه کرد. ساعت ۱۳ برای صرف ناهار در سالن مارال سهراب در جاده قم توقفی یک ساعته داشتیم و ساعت ۱۵:۳۰ به شهر کاشان رسیدیم و در شرق کاشان به روستای ابوزیدآباد و سپس به منطقه کویری «سیازگه» وارد شدیم، در ابتدا پرنده زنبورخوار را رویت کردیم و درختچه های کویری گز و تاق نسبتا انبوه به کویر زیبایی دل نشینی بخشیده بود، بعد از نیم ساعت حرکت در جاده ماسه ای در زمینی بدون پوشش گیاهی که مناسب کمپ بود توقف کردیم و کمپ دایره ای شکلی توسط چادرهای رنگارنگمان برپا شد و سپس به صورت گروه های کوچک جهت عکاسی از طبیعت و یافتن گونه ها به گشت رفتیم و خوشبختانه یکی از خانم ها یک گونه «آگامای سرورزی خاکستری» پیدا کرد و شور و اشتیاق به کمپ روی آورد و استاد هم گونه دیگری را یافتند و انگیزه برای دیدن و یافتن گونه ها دو چندان شد.

همگی با اشتیاق به دور استاد حلقه زده بودیم و چشم به خزنده کوچکی که در دستان استاد بود دوخته بودیم و توضیحات استاد را گوش میکردیم. در پشت «آگامای سروزگی خاکستری» خال بزرگ صورتی بود که به کمک اون در بین سنگ های صورتی رنگ استتار میکرد و سه گونه دیگر به نام های «آگامای سروزگی دم سیاه»، «آگامای چابک» و «کگوی دم کلفت زگیل دار» نیز نشانمان داد. کم کم غروب شد و هدمپ ها را آماده کردیم و بدون فوت وقت شروع به پیمایش کردیم، به طرز باورنکردنی استاد ما را به دو چشم براق از فاصله دور توجه داد!! یعنی چه حیوانی میتواند باشد؟! بله یک خزنده کوچک بود اما با چشمان بسیار براق و جذاب قرمز رنگ. بازتاب نور هدمپ باعث برق زدن چشم های آن میشد و از شوق هجوم میبردیم تا پیداش کنیم. از نزدیک نحوه دفاع این گونه مارمولک که دمبری میباشد را دیدیم و البته تاسف خوردیم چرا که تنها یکبار قابل به دمبری کامل میباشد. «کگوی دم پخ کایزرلینگ» به فراوانی پیدا کردیم چرا که خیلی آرام و کم حرکت بود، سوراخ های بسیار کوچکی که در سطح زمین بود محل زندگی و خانه های آن ها بود.

بعد از یک ساعت پیمایش در ساعت ۲۱:۳۰ شام خوردیم و در ساعت ۲۲:۳۰ مجدداً برای یافتن «اسکینگ مار شکل» به گشت پرداختیم. رد پای «اسکینگ» در زیر درختان گز به چشم میخورد، به سرعت شن ها را با دست کنار میزدیم اما خبری از آن نبود، مجدد رد پای آن در زیر بوته دیگری! بارها رد پاها را جستجو کردیم اما اثری نبود!! بالاخره در زیر یکی از بوته ها استاد کمالی گمشده را یافتند و چقدر زیبا بود، شبیه ماری کوچک بود اما دو تا پای بسیار بسیار کوچک و ظریف هم داشت به همین خاطر به آن میگفتند «اسکینگ مار شکل» البته «عقرب سیاه» هم خودشو به ما نشان داد و نهایتاً به محل کمپ بازگشتیم و بعد از دیدن صورت فلکی های آسمان حدود ساعت ۱۱ در سکوت کویر به خواب رفتیم.

روز جمعه ساعت ۷ صبح همه بیدار شدیم و صبحانه تهیه و میل شد و پس از جمع کردن چادرها و گرفتن عکس دسته جمعی در ساعت ۹ به سمت تهران حرکت کردیم و در اواخر مسیر خاکی به دنبال بزمجه توقف کرده و به روی رمل های شنی زیبا رفتیم و طی نگاه جست و جو گر یکی از خانم های همسفر موفق به دیدن ۳ گونه دیگر شدیم که گونه «ارمیس مرنجاب» در این منطقه برای اولین بار رکورد شد و باعث شور و اشتیاق و خوشحالی در چشمان استاد محترم شد و گونه «کگوی

دم زبر» هم یافتیم، علی‌رغم تلاش زیاد موفق به دیدن بزمجه نشدیم در عوض «کورمار تاتاری» هم یافتیم که حدوداً به طول ۲۰ و به قطر ۰/۵ سانتیمتر بود و پوستی صیقلی داشت و زبان بسیار ظریفش را مانند یک مار واقعی بیرون می‌آورد که مار بودنش را باور کردنی میکرد و ساعت ۱۱ صبح به سمت تهران حرکت کردیم. در بین راه بازی های سرگرم کننده توسط لیدر انجام شد و فضای شادی را برای همسفرها محیا کرد. ساعت ۱۵:۳۰ به میدان ولیعصر و موسسه ارسباران رسیدیم و سفر هیجان انگیز ما به پایان رسید.